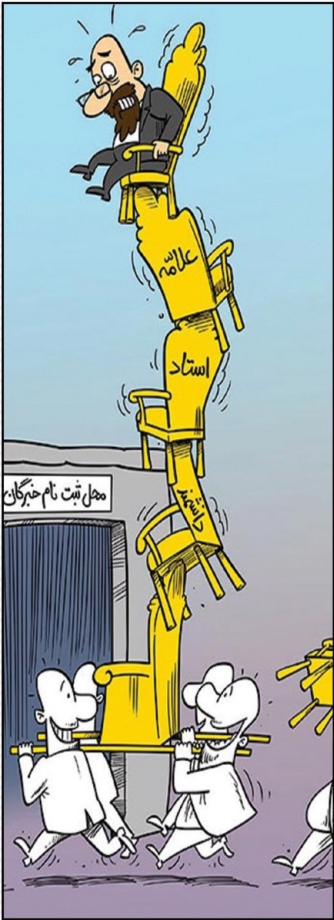




با شرح!



خدايا اين ايام انتخابات را طولانی تر گردان که به برکت آن مدارک علمی و دینی آقایان رفیع تر می شود و یا رفیع تر می کنند! شاید این انتخابات فرصتی باشد تا درجه علمی کشور چند صدمی افزایش پیدا کند! به گمانم آقایان مدارک عالیه اشان را سالها قبل کسب نموده اند ولی زمانی بهتر از انتخابات برای نمایان کردن آن پیدا نکرده اند تا شاید به این بهانه کیسه جمع آوری رای اشان را پرتتر کنند! ولی افسوس برای بعضی ها که با خارج شدن از این میدان بازی نه مدرک به کارشان آمد نه...
خدايا قصه این فصل انتخابات چیست که صحنه های عجیبی را در جلوی چشم مان می آورد؟



دانشجو ارزش دارد آقایان. دانشجو به وظیفه مطالبه گری خود عمل کرده و می کند، اما شما به وظیفه تکریم دانشجو و فرصت دادن به او عمل کردید؟

دانشجو ارزش داشت!

کوتاه درباره بر خورد ناعادلانه با دانشجویانی که دغدغه ی یک ملت را داشتند

می شود؟ این دانشجو وظیفه اش را انجام داده است، چه کند که به خاطر کم ظرفیتی دولت ظرف سالهاست که دولت اجازه ی انجام وظیفه اش را به او نمی دهد؟ دولتی که در این اجازه ندادنش به بروز نقدها بی قانونی می کند و با همین چماق بی قانونی بر سر دانشجویان می زند.
دانشجو ارزش دارد آقایان. دانشجو به وظیفه مطالبه گری خود عمل کرده و می کند، اما شما به وظیفه تکریم دانشجو و فرصت دادن به او عمل کردید؟
سوتیتر: این دانشجو وظیفه اش را انجام داده است، چه کند که به خاطر کم ظرفیتی دولت ظرف سالهاست که دولت اجازه ی انجام وظیفه اش را به او نمی دهد؟ دولتی که در این اجازه ندادنش به بروز نقدها بی قانونی می کند و با همین چماق بی قانونی بر سر دانشجویان می زند.

جمهوری اسلامی تقلبی می سازند. دانشجو، همین جوان بیست و چند ساله، دلش از بی خیالی ها گرفته بود. حرف و صحبت و گلایه هایش هم اثر نداشت، فریاد ولی...
اصلا از حرف های قشنگ بیرون بیاییم. همین دانشجویان، با دغدغه ی مطالبه ی استقلال یک ملت، چند روز پیش پذیرای شدید ترین برخوردهای امنیتی در خیابان های شهر بودند. برخوردهایی از جنس برخورد با مجرمان امنیتی و آشوبگران. برخوردی بسیار بسیار سخت تر از برخوردی که با فساد و مفسدان اقتصادی می شود.
به جرم اینکه فریادهایشان را برای صیانت از میراث یک ملت بلند کرده بودند.
اصلا قبول، دانشجویان تخطی کرده بودند، ولی با کدام منطق و با کدام ترازو چنین برخوردی از سوی بالاترین نهادهای دولتی برای مقابله با این حرکت مطالبه گرانه تجویز

دانشجو دیدبان جامعه است. دانشجو که افقها را نبیند، هجوم لشگر دشمن را نبیند، گرد و غبار سم اسبهای مهاجم را نبیند، مردم از صدای چکاپک شمشیرهای غارت گران بیدار می شوند. اصلا قرار بود دانشجو بیشتر از واقعیتها آرمانها را ببیند، افقها را نگاه کند و حصارها را از سر راه بردارد. دانشجو، با انگیزه ی جوانی و انرژی مضاعفی که داشت قرار بود موتور محرک انقلاب باشد. دانشجو ارزش داشت، قرار بود ارزش داشته باشد.
دانشجوی انقلابی، با همه ی اشتباه ها و ضعف های احتمالی اش، نیست خالصی داشت، دل در گرو آرمان های همین نظام و انقلاب سپرده بود. انقلابی که بعضی از مسئولانش فرسنگها از آرمانها فاصله گرفته اند. استقلال را به سخره می گیرند و آزادی را تحریف می کنند و



نفوذ سورپایانه

مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه باشند؛ اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل مورانه از داخل میخورد و پایه‌ها را سست میکند و فرو میریزد.

OKHAMELIR

۱۳۹۴/۱۱/۲۵

آقایان نماینده، لطفا جواب دهید

در این نوشتار تلاشی شده است با ذکر فقط ۵ معیار برای انتخاب نماینده اصلح و در ذیل آن پرسیدن چند سوال مختصر از این آقایان، راه های ارزیابی کاندیدها شایسته را یادآوری کنیم.

بدون شک، افراد نفوذی در مجلس شورای اسلامی می‌توانند با انواع و اقسام حقه‌بازی، جناح‌بازی، لابی‌گری و... طرح‌های غیراسلامی را پیشنهاد داده و حتی به تصویب هم برسانند

۱. تخلق به اخلاق و ادب اسلامی

«وکیل‌هایی که آراسته‌هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام... انتخاب کنید. صحیفه نور-ج ۱۱-ص ۲۸۴»
 ۱. در زمان رقابت انتخاباتی از نظر اعمال، گفتار و ظاهر با زمان قبل از انتخابات تفاوتی کرده است؟ (تظاهر به ساده زیستی، مردم‌گرایی، خوش اخلاق بودن و...)
 ۲. به تخریب چهره رقبای پرداخته است؟
 ۳. از رانت‌های مدیریتی، رشوه، یا پارتی‌بازی در جهت کسب منافع برای خود، اقوام، وابستگان استفاده کرده است؟

۲. ساده‌زیستی و امانت‌داری

«اگر بخواهید بی‌خوف و بی‌هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان بدر نکند، خود را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند، اکثراً ساده‌زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند. صحیفه نور-ج ۱۹-ص ۱۱»

۱. در محل زندگی و در محیط کار به «ساده‌زیستی» مشهور است؟

۲. از «بیت‌المال استفاده شخصی» کرده است؟
 ۳. کوششی در جهت «حفظ یا بازپس‌گیری بیت‌المال» داشته است؟

۳. شجاع بودن

«کسانی را که انتخاب می‌کنید باید مسائل را تشخیص دهند نه از افرادی باشند که اگر روس یا آمریکا یا قدرت دیگری تشری زد بترسند، باید بایستند و مقابله کنند.»
 «صحیفه نور، ج ۱۸-ص ۱۹۸»

۱. با توجه به سابقه کاری‌اش در «برخورد با با افراد فاسد و نا کارآمد» تحت تأثیر فشارهای وارده قرار گرفته یا پیرو یکسری معیارهای قانونی بوده است؟

۲. در مواجهه با تهدید دشمنان خارجی چه «تحلیل» و «رفتاری» دارد؟

۴. حمایت از محرومین و خدمتگزاری برای مستضعفین

«مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس کرده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از

سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذت و شهوات که تلخی محرومی و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند.

صحیفه نور-ج ۹-ص ۱۵۴»

۱. در سابقه کاری خود تلاشی برای «درک واقعی و ملموس» از وضع محرومین داشته است؟

۲. تلاشی در جهت «برنامه ریزی» برای رفع مشکل محرومین و مستضعفان دارد؟

۳. چه فعالیت‌های اجرایی در جهت رفع مشکل محرومین و مستضعفان داشته است؟

۵. استقلال سیاسی در افکار و احساسات و اعمال:

«رای خود را به شخصی که... دارای بصیرت در امر دین و دنیا و منزه از گرایش به شرق و غرب و مکتب‌های انحرافی دارای «دید سیاسی» است بدهید.»
 صحیفه نور-ج ۱۵-ص ۱۶۳»

۱. با توجه به عملکرد گذشته «معیارهای جناحی» و «متغیرهای تهدید خارجی» را مبنای تصمیم‌گیری و قضاوت‌های سیاسی قرار می‌دهد؟



مرض تجمل گرایی!

حضرت روح الله درباره‌شان، چنین می فرمود: «این طبقه عزیز محروم که در ازای خدمتش غیر از خدا از کس دیگری چیزی نمی‌خواهد و ما همه رهین منت شما هستیم و اگر لایق باشیم، خدمتگزار شما.»



بعد از گذشت سی و اندی از انقلاب هنوز مرض تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی و بی‌توجهی به مستضعفین، در بعضی از مسیولین ما درمان‌ناپذیر شده است، بلکه شایع‌تر و خطرناک‌تر نیز شده است. این مرض واگیردار چنان رخنه کرده است که حال، آقایان حاضر نیستند اندکی از وقت گران‌بهایشان را در محله‌های پایین شهر بگذرانند و همشین ایشان بشوند و کمی از نزدیک مشکلات جامعه را ببینند. نمیدانم این مسیولین بلند پایه! تا کی می‌خواهند پنبه در گوششان کنند؟ چه زمانی می‌خواهند از این خواب خرگوشی بیدار شوند؟ مگر روایت پیامبر اکرم که می‌فرمایند: هر کسی فریاد و استغاثه انسانی را بشنود که مسلمانان را به یاری و کمک می‌طلبد و به یاری او نرود، مسلمان نیست. نشنیده‌اند؟ پس چرا اقدامی صورت نمی‌گیرد؟ چرا بعد از چند دهه از انقلاب، هنوز باید شاهد اتفاقات ناگواری از جمله

کشته‌شدن کارتون‌خوابی بر اثر سرما باشیم؟ ای کاش حضرات و نمایندگان ملت هر از چند گاهی هم که شده لاقبل با ماشین‌های آن چنانی‌اشان به جای رفت و آمد از خطوط ویژه، سر چهارراه‌ها ترمزی بزنند و دست‌فروش‌هایی را ببینند که چگونه در آن سرما، برای گذراندن زندگی‌شان چه سختی‌هایی را تحمل می‌کنند. ای کاش بخشی از بودجه‌های کلان مملکتی صرف این پابرهنگانی می‌شد

امید است که مسئولین و نمایندگان ملت، بیانات امامان را آویزان گوششان کنند و برای خدمت به این قشر کوتاهی نکنند تا مصداق این روایت از پیامبر اکرم نشوند: «خدای عزوجل می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند که از ظالم در دنیا و آخرت انتقام می‌گیرم و از کسی هم که مظلومی را ببیند و بتواند یاریش کند و نکند بی‌گمان انتقام می‌گیرم.»

که حضرت روح الله درباره‌اشان، چنین می فرمود: «این طبقه عزیز محروم که در ازای خدمتش غیر از خدا از کس دیگری چیزی نمی‌خواهد و ما همه رهین منت شما هستیم و اگر لایق باشیم، خدمتگزار شما.» (۱۳۶۰/۱/۱۶) «با توجه به اینکه بار سنگین انقلاب بر دوش قشر مستضعف است، وظیفه داریم فعالیت و توجه را به نواحی محروم، معطوف کنیم»

صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۷۳

کنز العمال، ج ۳، ص ۵۰۵

صحیفه خوانی

نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری. نباید از کسی پذیرفت، که ما شورای نگهبان را قبول نداریم. مردم رای دادند به اینها... منتظرند که قانون اساسی اجرا بشود؛ نه هرکس از هرجا، صبح بلند می‌شود بگوید من شورای نگهبان را قبول ندارم.



(۶ خرداد ۱۳۶۰)





قدر زر گر شناسد

بعضی ضربالمثل‌ها هم هستند که باید با آب طلا نوشت و قاب کرد و گذاشت جلوی چشم. این که جلوی کدام چشم فعلاً مهم نیست، آنچه مهم است ضربالمثل است: "قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری".

قدر جوانان مملکت را هم طبیعتاً کسی می‌داند که هنوز در میان میدان‌های غبارآلوده و مسموم سیاسی فرهنگی اقتصادی از پا در نیامده باشد. حکایت این که جوانان یک مملکت سرمایه‌های اصلی آن جامعه‌اند و اگر قرار است رشد و تحولی صورت بگیرد از صدقه سر همینان است؛ انگار برای بعضی حکم لالایی را دارد تا خوابشان را عمیق‌تر کند.

اینکه عده‌ای عزم راسخ و کوشش بی‌وقفه‌ی جوانان را در مقابل توطئه‌های استکبار نمی‌بینند و یا به تعبیر بهتر نمی‌خواهند ببینند، مشخصاً از عمق فهم و درکشان برنخاسته است، بلکه اینها ثمره‌ی فریفتگی و سرسپردگی ایشان به غربی‌هاست، خواه این که دکتر باشند، ریش داشته باشند یا حتی عمامه به سر نهاده باشند.

مسئله‌ی چنین تفکر مسمومی در راس نهادهای سیاستگذار، قانون‌گذار و اجرایی نتیجه‌ی بهتر از بی‌اقتبالی عمومی نیز به جوانان نخواهد داشت که: الناس علی دین ملوکهم، حتی اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم، تقلیل دادن جوان‌های جامعه و نیازهای آنها به اقلیتی بالاشهرنشین یا برجسب‌دار کردن جوان مومن انقلابی با عناوینی مثل تندرو و افراطی نمی‌تواند از سر ناگاهی باشد.

چرا اگر این چنین بود با همان تذکرات اول رهبر جامعه، از صراط کجی که آب به آسیاب دشمنان این مملکت می‌ریخت توبه‌ای صورت می‌گرفت تا این تذکرات به دفعات بعدی نکشد. البته نباید این انحراف را در همین یکی دو مصداق بارز محدود کرد. مسلماً چنین تفکر خطرناکی آسیب‌های گسترده‌تری دارد که جریان حزب الله باید با آنها به مقابله برخیزد.

*نقل به مضمون از پیام رهبر معظم انقلاب به اتحادیه انجمن‌های اسلامی اروپا

کاریکاتور

کفشهای پر از ریگ بعضی کاندیداها



کتابخانه فتح

معرفی کتاب «انقلاب اسلامی»

دکتر منوچهر محمدی در این کتاب شیوه‌ای کلاسیک را در بررسی پدیده‌های اجتماعی و به ویژه در مطالعه‌ی انقلاب‌ها را انتخاب کرده است.

او می‌گوید این کتاب را در سال ۱۳۶۵ و به توصیه‌ی حضرت امام خمینی رضوان الله علیه نوشته است.

فرانسه در آستانه‌ی انقلابش در بدترین شرایط اقتصادی قرار گرفت و از پنجاه سال پیش از آن با مشکلات و بحران‌های مالی فراوانی دست به گریبان شد. استقراض‌های خارجی فرانسه سر به فلک کشید و قحطی موجب تضعیف شدید قدرت سیاسی آن گردید. در مقابل، نارضایتی مردم هم به اوج خود رسید. این شرایط در روسیه نیز با آغاز قرن بیستم و پس از پایان دو جنگ خارجی به همان وضعیت فرانسه دچار بود و رکود و بیکاری در آن به شدت گسترش یافته بود. اما شرایط ما در اواخر حکومت محمدرضا پهلوی کاملاً متفاوت بود. ایران در سال‌های پس از ۱۳۵۳ در مطلوب‌ترین شرایط اقتصادی قرار داشت؛ تا جایی که در تمام دوران سلطنت ۵۷ ساله‌ی رژیم پهلوی و حتی دوره‌ی قاجار این شرایط خوب مالی بی‌سابقه بود. با افزایش غیر قابل باور درآمدهای نفتی، حکومت شاهنشاهی ایران به یکی از ثروتمندترین دولت‌های جهان بدل شد، اما جامعه‌ی ایرانی از یک جامعه‌ی مولد به یک جامعه‌ی کاملاً مصرف‌گرا تبدیل شد. بر خلاف رژیم‌های فرانسه و روسیه، نه تنها دولت مقروض نبود، به بسیاری از دولت‌ها وام می‌پرداخت و از ذخایر ارزی سرشاری برخوردار بود.

نویسنده در فصل نخست از مراحل سه‌گانه‌ی انقلاب‌های دنیا سخن می‌گوید و سپس آفات هر انقلابی را توضیح می‌دهد. در فصل دوم و در دو گفتار جداگانه به بررسی قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی پیش از پیروزی انقلاب در هر سه کشور می‌پردازد. در فصل سوم نیز با دو گفتار «حاکمیت میانه‌روها» و «رادیکالیسم»، دست به مقایسه‌ی این سه کشور در شرایط پس از پیروزی انقلاب‌ها می‌زند. در بخش پایانی کتاب نیز سخن از مباحثی همچون رفم، شورش، کودتا و انقلاب را به میان می‌آید و نگارنده دو سؤال اساسی را مطرح می‌کند: این که «آیا انقلاب فرزندان خود را می‌خورد؟» و دیگر این که «آیا انقلاب ایران به دیکتاتوری ختم می‌شود؟»

نکته‌ی مهم این است که نویسنده برای نگارش این کتاب به تحقیق کتابخانه‌ای بسنده نکرده، بلکه به کشورهای مختلف اروپایی هم سفر کرده و از منابع اصلی نیز بهره برده است.

ویژه نامه گفتمان انقلاب اسلامی فتح

ماهانامه فرهنگی سیاسی حیات-بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر مسئول: مسعود حسنلو

جانشین مدیر مسئول: علی سلیمانی

سر دبیر: محسن ذوالفقاری

هیات تحریریه: حامد صابر / سید یحیی هاشمی /

داوود طالقانی / سید علی شاه صاحبی

طراحی و گرافیک: گروه طراحی شهدای مدافع حرم

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشگاه امام صادق: basijisu.ir

پایگاه اطلاع رسانی هیات میثاق با شهدا: misaq.info

تارنمای نشریه فتح: fath.basijisu.ir

رایانامه فتح: fath@basijisu.ir

کانال تلگرام (۰۹۱۰۴۹۷۰۶۲۵): fathisu@